

بنظر این است که مستند هجرت اعزامی بر اساس خطاطی در صورت
 بین گروهی در صورت آن آقا ضرورت داشته باشد در صورت توافق
 آقا افراد هجرت اعزامی بر روی دست خطی دانستی باشند

مربوط به الحاق سال ۵۷

در سر دنده بینها دارم با یک نفر فرستاده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
جَاهِدِ نَفْسَهُ، سِرْيَا وَفَرَاغًا زَمَانًا، نَبِيَّهُ طَلِيحَ اللَّهِ
حَفِظَ آيَةَ السُّطَاتِقَانِي تَسْلَةً عَلَيْكَ

کورد و تشوین خارج از کشور از نظر نسیب و ارباب
و معنی آن بر آن مسال حنبلی اربابین مطیع بود

فَإِنَّهُ سَعَى مَفْرُوحًا
لَقَدْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ

فی خوف عالیه را دستم، چه سعادت بزرگ بطلب خود که معنی مثل حال شما گروه و چه قدرت سبحان
شما و است سیر درم شما از امت نیکو قرار دله، خوشایند است دنیا و آخرت شما

مژده ای دل / مسیحا لقبی مبارک، است با قوام حکومت عدل و قسطم بیدار دانه سینه ای نیاز
و حق و استقامت جاهدی چون شما، میوانم نفسی بکشم، دام بوسه مال یار و تکمیل وجودم الله در

رب حلیم اما از باقیه الله با نسیم جبار حتی نسیم، "یا من لا یخسر بسا ئله" حقه سر و سر دم و چه دانه
سرافازم در آن دنیا غرب نام و سعادتمندی، بدون پرداخت دنیا رسول از طریق تمام و سالی ارباب طبعی

به چنانسان شناساده شد، تا قبل از انقلاب ایران بسیار استغما می نمودم نه از دستم خیر بخیر استند، بیکه
حق ایران و نیز عیننا خنده، با آنکه آن مرد خود فودنه و نوگر غرب و شرق (مرد خفاشی) چه بودیم

فوج نگر بود، و بسیار استغما می نمودم از ایران هدیج و در عین استند، و این افتخار و کبر و از سر ما مدیون جاهد خا
و استقامت ها حضرت آیت الله امام خمینی و شما و دیگر جاهدین راستین سبیل الله مداینم و غیر

جاهد بزرگ، و از غیر هم که در غربت دینی دایمان و وطنی و خالفه بهر میهم و تمام امید آرزوم
دیروز خلق منی در بیان قرآن و ظهور امام رجوی حضرت مهدی و جاهد در راه خایم در راه حلیم می شه و غیر

آما به لامر امام این نامه به بد شما می نویسم، چون به کمک فکر و دعوی شما محتاجیم، لذا از حضورتان
اجازه می خواهم که اجازه فرمائید تا بد نویسد شرافت شما و نام منم، عاقبت بخیر با حضرت از درگاه اوست بر شما

خواه خواهی بعد و خلاص نام

حضرت آیت الله و اشکالات و نیازها اینجا بهر ما دانستیم و چه داریم امیدیم بر حسب وظیفه بیدگاه حق
بتوانم بطور مختصر و مفید بطوریکه در حوصله این نامه باشد توام با پیشیندراکم به حضور تا عرضه بدارم، تا شاید
شما با الهام از حکم الهی و مشورت دیگران راه چاره ببینید

۱- نامه به حضور امام عرضه داشته و در آن اثر و سینه دارانه بجهت: الف: تقاضای تخفیف از اجازه
فرمانده حبابی در خارج از کشور باز شود، تا مکلفه از برای ما مانده به مستضعفین کمک نمایند، کمک برای خود
به این حسب و ارباب بخانیه، تا هم ما سیدی در این راه خدای داشته باشیم و هم آنکه است بتواند سر و سر به زندگی
بلاز فداگت و جمل و حقرا آخا سر و سامان بدهد ان شاء الله

X

بدرین باره گروهی که در میان مردم با وجود برقرار حکومت الهی متأسفانه هنوز افتد تا آنجا
 از بین نرفته، و برگزیده گروهی دیگر را میگویند، از نظر این حقیقت اعمال و رفتار اینها بهر وسیله و کسب بیدار خطی که
 فراتر است، و مشخصاً تا مجال هیچ اقدام حقیقتی نتوانستیم انجام دهیم، لذا تقاضای محکم هر یک از این بران
 این اتفاق ها و اینها "تکلیف و قوت" شیخ دانشمند و یا سوله و دیگر از بنیادین از کسور انعام فرماید،
 (این شیخ به عقیده حقیر همانا از یکی از علمای و روحانیون مجاهد و قدرتی یابنده و قبله با مشورت امام و شما و سایر
 بر انتخاب مجاهدین علی ایران استعنا فرموده و در تیره ورود بنیادین کلیه گروهها و قبلی در فتنه و اعلام
 و تأسیس از ما و یا نهفتی الهی عهد یا نامی عهد و فقهی و باطله محمد برتند) و عقده و هم سنگی تمام
 معانی در این نهفت "عهد خواستار شوق و تاملی رهبر و مشخصاً عهد بگیرد."
 اینها مطالبی بودم بر قرب و فلیه به اطلاع امام رسانیده و شما در تیره چون قرار دادیم تا از اوضاع و احوال با خبری
 و اینک چیزها را نگه دارم، هر با اجازه با شما در میان نگذارم تا در صورت ضرورت بار امام مشورت
 نماید و تصمیمات نهایی با استغناء از کلام الهی و حقیقت زما باشد.
 اما با محضر حضرت چون فرمود که بگویم: اجازه فرماید تا این برادر الهی و شما جمیع مسلمین و پیروان
 حقیقی قرآن صحیحانه بر یک عمر بنحیه داند که او یک کانا سدت عقل و دین و دنیا و آخرت و تمام یا
 عاقبت به فیر با حرفت بار شما و تمام مجاهدین راه حق خواستار عهد و هم، و از در هر اندک عا محکم هم چنانکه
 فوعل و عبرت تا شیخ وارده، این ظالم زما (محمد رضا خان) به تیره است تمام ظالمین قرار دهد، چون این شیخ هم
 با قرار از کسور به ها کمانی رفت هر فوعل به بنال جویی میدود.

کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

۱- ما دانشجویان خارج از کسور بنابر حسب و صلیه به رفاه الهی حقایق سوله دینی و دینی داریم، اما مشخصاً اهداف و مکتب
 هر کس نیست، لذا اقصیای تیره به تری و رهبر دانشمند و پرکار و مجاهد ترقی و مبارز یعنی سنت به امام و قرار
 "روحانیت الهی" که آشنا به حایف قرآنی و کلام و علم عهد باشد داریم تا بتواند جوایز بسیار را با
 در این باره سوره به نظر آید هر کس که:

کلی که تربیت از دست باغبان نگرفت
 اگر چه چیده و خورنده تیر زند خود روست
 و استوار این خود رومی دین تربیت دین فوعلی دینی دفاع از کسور و فقه محوری باشد و عقدهم از خطای هر
 هولنگ و درد آور مبر آورنده دارد، لذا بهر حفظ و بقا انقلاب اسلامی پیشیند مکتبم بطور جدی
 نگیرد چاره بهر این گروه با کسبه تا در تیره ۱۵

۲- نام گشته امام خمینی در صورت انکار لغوی و بی‌نام گشته فقهی به تبدیل خوانند، چون عقیم

مردم ما از گشته (محمد مصطفی) فاطماتی به دروازه‌گردی دارند، لذا اجازه خوانند تا آن نام به
و گشته ننگین تا ابد بر صفحۀ تاریخ باقی بماند. و یا نام خود را می‌زنند و نیز بزرگت از نام گشته

۳- پیشینه فخری، اگر در هاست از سزاها مجاهدین و یا به نام و گشته و گشته مبارزیم تجربه بسیار بی‌سابقه

در گشته با گشته بنام از گشته حساسیت بخانه در جهت "توسعه حضور" با دانشجویان به بحث و گفتگو می‌کنند
و نظرات آن‌ها در باره (بهر جا که می‌رفت قاطع الهی دانسته و احوال به وقت نبودن نظرات در باره هر چه

به می‌نموده را با گشته) می‌نمودند (چون به خود می‌افزودند و به وجه بعضی اولاد گشته فعالیت

سیاسی نداشته اند و اکنون در باره شایسته صورت حاشی گشته، هر جواب می‌در باره آن‌ها فقط

اندر "انتخاب امام" می‌باشند و من حق دارم از اینها اظهار عقیده بنمایم) ضمناً در این مورد نامبرگان
شایسته و ذاعتراف گشته این دانشجویان به رقیباً بر روی گشته و نیز بزرگت در گشته و تحقیقاتی حقیقه

واقعاتی نوشته شده است از خواننده

۴- بخاطر تکلیف تحقیقات در صورت انکار به احوال با تجربه و نیز در صورت دیدن نظریه‌ها شایسته

در گشته، تا این اولاد تحقیقاتی در خارج از کشور بنام گشته تا اولاد و نظرات منافع و فواید یا هر چه در حق

تسخیر دل و در بزرگت حلقه آن‌ها مورد بررسی دقیق قرار گیرد، تا بسیار فواید بسیار این صورت عقیم و
حقیقه به نالجه گشته گشته، ان شاء الله

۵- ما دانشجویان خارج از کشور بطور جداگانه کتاب حقیقه نوشته شده است از گشته در حقیقه هستیم

راش بعضی ما بعضی در تهران، نه تنها همین نیست (که در باره اظهار عقیده آن‌ها نام، فقط فخریم

گواه می‌باشند) هر چه در حقیقه به راه الهی و انسانیت با شما در دل می‌کنیم، و در مورد در حقیقه

ما مسلمانان گروه مخالف (کمونیست‌ها) بسیار نمره به دست‌ها را از ان عقیم در دست مردم قرار گشته

و این خود گشته از عوامل حلیت است و گشته و نا آگاهان گشته، لذا پیشینه می‌کنیم در صورت انکار گشته

و حقیقه در صورت آن‌ها به بهترین جوان در دست‌ها گشته می‌دانند تحت نظارت دقیق گروه‌ها در حقیقه

در ایران بطور زنده چاپ و بنام از گشته در حقیقه و نیز از ان در دست مردم قرار دهند، (عقیمت گشته حلی

گفته بنام یک موضوع به مردم باشد)؛ لذا پیشینه دارم؛ چون نیر در پویشی مرتباً با با هم با هم ۱۳۵-۱۳۰
سی- ۱۳۰ و یا پیشینه هر چه پروازهای بنام از گشته در باره، هر این پروازها از لحاظ عمل فیزیکی

تعبیر از صفحہ ۳

بگویم اوقات این پروازها بار و بار با سفر بمقدار فرضی نازده، کتب جباریه و با این نوع پروازها در است انجام عمل نماید، تا بتوان من جوان و تحصیل کرده خارج از کشور به باعارف الهی و تعالیم و معنی آشنا گریه، و از گمراهی و ضلالت و انحرافات فکری و عقیدتی آحاد و نجات دلها ان شاء الله باره تا با حکمت مسدودت الله و در بر تو عارف قرآن و با کوشش خستگی ناپذیر شما بیشتر تا از آن و مجاهدان راه حق بساط ظلم و ستم در جهان ارضی کن گریه، و افول و طواریت در جهت و امکان محقق در آنجا و بهر صورت و مجاهدت به کشورها و فقر زدگی (آفرینا و جنوب آسیا) در راه انجام رسالت الهی گریه، و از راه احدیت تعالی دعوت این آیه شریفه و بهر شما شدت دارم

ان ولی الله الذی نزل الکتاب وهو یتولی الصالحین

در فاجعه کزانی که شام اوقات شریف شما کوز شریف و اطمینان در بنحاط فاجرات دستا فیم بنحاط ان شاء الله و اجازه میجویم در صورت امکان نام بعضی از کتب الهی و یا دیگر کتب مفید و توانم بهر صورت بنده گس خاضعانه و خاضعانه بهرگاه احدیت و پیدا کنیم در این مرقوم فرمائید و این حقیر تاران و با نفعی بهرانه خوش نصیب و راهنمای فرمائید و اجازه فرمائید تا در صورت ضرورت مورد شام اوقات تان بگویم

سَلَامٌ عَلَيْكُمْ يَا صَبْرًا قَدْرًا قَدْرًا حَقَّ الدَّارُ

والسلام علیکم ورحمت اللہ وبرکاتہ

کتابخانه آثار و «طالقان» و «ما»

۱۷ اکتبر ۱۳۵۷ هجری قمری مولود حضرت عسکری (ع)

REZA ZOLFAGHARZADEH }
 11900 Venice Blvd #9 }
 L. A., CA. 90066 }

آذربایجان کوه

بعضی کتب در این کتابخانه موجود است که در صورت امکان به شما ارسال می شود
 این کتابخانه در شهر تهران واقع است و در صورت نیاز می توانید به آنجا مراجعه کنید
 با احترام و درود